

سبک زیارت



محسن دینی عزت‌الاحدی که خیرگاران

یک روز با زائران پیاده رضوی در جاده‌های منتهی به خراسان

باز هوای حرمت آرزوست

■ مهدی ارجمند

باد سردی که می‌وزد صورتش را سرخ کرده است. چشمانش خسته است و پاهایش درد می‌کند. جای تاول‌های درشت شاید تا چند هفته هم روی پایش باقی بماند. با این حال، حال عجیبی دارد. تازه رسیده است، بعد از چهار روز پیاده‌روی از سبزوار تا مشهد. میانسال است. موهای جوگندمی‌اش را به باد تندی سپرده که در حال وزیدن است و حالا با اشک‌هایی که باد قطرات آن را روی صورتش چابه‌جامی‌کند روبروی حرم ایستاده است و اذن دخول می‌خواند. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَاقِفٌ عَلٰی بَابِ مِیْنِ اَنْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ... آرام آرام زمزمه می‌کند. حال خوشی دارد. در لایه‌لای اذن دخول

■ باب‌الرضا، قرار زیارت نرفته‌ها

آخر ماه صفر که می‌شود دل‌ها ناخواسته راهی مشهد می‌شود، خصوصا آنهایی که از پیاده‌روی اربعین جا مانده‌اند. شاید تنها چیزی که آرام‌شان می‌کند همین زیارت امام رضا(ع) باشد و گر نه چیزی را در این دنیا نمی‌توان برابر با جایگزین زیارت پیاده‌روی اربعین کرد. حالا اینجا در مشهد، پایتخت معنوی ایران در کشور دل‌ها هزاران زائر در روزهای آخر ماه صفر همان خوان یابرکت امامی شدند که زیارتش از زیارت امام حسین(ع) ثواب کمتری ندارد. امامی که حالا میزبان جامنده‌های پیاده‌روی اربعین است تا السلام علیک یا علی بن موسی الرضا تسکین مناسبی به جای السلام علیک یا ابا عبدالله باشد. اینجا مشهد است کشور دل‌ها.

جاده‌های خراسان این روزها مملو از زائران پیاده‌ای است که هر کدام به نیتی و با آرزویی در دل و دعاهای فراوان بر لب رو به سوی رضا نهاده‌اند و گام‌های استوار آنها را به سمت حرمی هدایت می‌کند که قطعه‌ای از بهشت بر روی زمین است.

اینجا از زن و مرد، بزرگ و کوچک، خرد و کلان و حتی شیعه و سنی زائرانی را می‌بینی که از کمترین فاصله یعنی از روستایی در ۴۰ کیلومتری مشهد تا دورترین فاصله یعنی بیش از ۸۰۰ کیلومتر با پای پیاده عزم زیارت امام هشتم را کرده‌اند.

■ پیش‌بینی حضور ۳۲۰ هزار زائر پیاده

آری این روزها مشهد حال و هوای عجیبی دارد، هر کس از پیاده‌روی اربعین جامانده گزارش می‌شود بالیا‌بالا و دل به جاده‌های خراسان می‌زند. اینجا در مشهد همه برای میزبانی آماده‌اند، از نهادهای دولتی گرفته تا مردم مشهد همه و همه آماده‌اند تا به زائران امام رضا(ع) خصوصا زائران پیاده این امام همام خدمت کنند.

سری به ستاد مرکزی جمعیت خدمتگزاران به زائران پیاده در مشهد می‌زنم. اینجا غوغا است، همه دارند تلاش می‌کنند. از آخر مهمان داریم، مهمان‌هایی گرمی، هر کس کاری انجام می‌دهد بر اساس وظیفه‌ای که در ستاد برایش تعریف شده است.

در این میان حسین رضایی سخنگوی جمعیت خدمتگزاران به زائران پیاده امام رضا (ع) را پیدا می‌کنم و در لایه‌لای حجم انبوهی از کارهایی که به سرش ریخته چند دقیقه‌ای با او صحبت می‌کنم.

او می‌گوید: براساس برآوردها امسال شاهد افزایش ۱۰ درصدی جمعیت زائران پیاده امام رضا (ع) خواهیم بود و ممکن است جمعیت زائران پیاده امسال به ۳۲۰ هزار نفر نیز برسد که البته همه چیز از قبل پیش‌بینی شده و به لطف خدا و عنایت امام هشتم هیچ جای نگرانی نیست

او می‌افزاید: ایستگاه‌های بین راهی جمعیت خدمتگزاران زائر پیاده امام رضا(ع) ویژه ایام دهه آخر صفر و شهادت امام رضا(ع) تکمیل شده است و ۸۰۰ کیلومتر مسیرهای منتهی به مشهد مقدس در این حوزه برپا شده‌ای ایستگاه رصد شده‌اند.

سخنگوی جمعیت خدمتگزار زائران پیاده امام رضا(ع) ادامه می‌دهد: برای تأمین آب شرب مورد نیاز زائران پیاده هیتی به نام سقاخانه رضوی از سال گذشته فعالیت خود را آغاز کرده و امسال نیز این هیئت خدمات خود را به زائران پیاده امام رضا(ع) ارائه می‌دهد.

وی ادامه می‌دهد: دستورات‌العمل خودمراقبتی به تمامی کاروان‌های پیاده ابلاغ شده و در هشت صفحه در اختیار مدیران کاروان‌ها قرار گرفته و نیاز به امداد و پوشش

گاه‌گر به امانش نمی‌دهد. خیلی وقت بود دلش هوای حرم را کرده بود. محمدحسن همراه ده‌ها نفر دیگر از سبزوار هفته گذشته با پای پیاده عزم حرم امام رضا(ع) را کرده است. ماه گذشته وقتی در مسجد اطاعیه ثبت‌نام زائران پیاده رضوی را دید با خودش گفت حتماً می‌روم. همان لحظه رفت منزل مدارک شناسایی‌اش را برداشت و به دفتر مسجد آمد و ثبت نام کرد. هفته پیش کاروان پیاده آنها به هوای کوی رضا دل به جاده زد و حالا بعد از چهار روز پیاده‌روی این کاروان به مشهد رسیده و به اقیانوسی پیوسته که به سمت حرم امام رضا(ع) جاری است.

اینجا مشهد است، پایتخت معنوی ایران، کشور دل‌ها. اینجا سرزمین

آتش‌نشانی نیز دارم و امیدوارم این بخش نیز با ما مساعدت لازم را داشته باشد. او با عنوان این مطلب که تمهیدات درمانی و بهداشتی مناسبی برای زائران پیاده امسال فراهم شده است اظهار می‌دارد: هلال احمر در بخش جاده‌ای مانند سنوات گذشته در کنار مافرار دارد و ۱۵ مرکز درمان نیز تمهید شده است.

رضایی با اشاره به اینکه تلاش می‌کنیم به تمامی زائران پیاده حتی زائرانی که ثبت‌نام نیز نکرده‌اند خدمات بهداشتی و درمانی ارائه کنیم افزود: ۲۱ کارگروه از ابتدای مهرماه امسال فعالیت خود را برای خدمت‌رسانی بهتر به زائران پیاده آغاز کرده‌اند و تلاش می‌کنیم برای حدود ۱۱۰ هزار زائر پیاده امسال تمهیدات اسکان را فراهم کنیم. وی عنوان کرد: در سال‌های اخیر اتفاقی که رخ داده این است که جمعیت زائران پیاده به سمت جوانان شیب داشته است و بر خلاف سال‌های نخست که عمده زائران پیاده امام رضا(ع) را افراد میانسال تشکیل می‌دادند در سال‌های اخیر جوانان گرایش بسیاری به حضور در مشهد مقدس به عنوان زائر پیاده داشته‌اند.

او با اشاره به اینکه در نخستین سالی که جمعیت خدمتگزار زائران پیاده امام رضا(ع) فعالیت خود را آغاز کرد خدمت‌رسانی به ۲۰ هزار زائر پیاده در دستور کار قرار گرفت، اظهار می‌دارد: خوشبختانه آمار زائران پیاده در سال‌های اخیر دائم در حال افزایش بوده است تا اینکه در سال گذشته به جمعیتی در حدود ۳۰۰ هزار نفر رسید.

رضایی همچنین می‌افزاید: در حوزه تدوین آثار مرتبط با زائران پیاده امام رضا(ع)، منابع روایی، حدیث و اشعار جمع‌آوری شده است و باید عنوان کرد که زیارت پیاده در سیره ائمه اطهار(ع) دارای سابقه است.

او خاطرنشان می‌کند: مجموعه عکسی از حضور زائران پیاده در سال‌های اخیر در مشهد مقدس با عنوان «سفر عشق» به‌زودی منتشر می‌شود و دو جلد کتاب نیز با عنوان سفر مشفق در این حوزه در سال‌های اخیر منتشر شده است.

رضایی ادامه داد: آرشویی غنی در حوزه متن و عکس از جمعیت زائران پیاده امام رضا(ع) در حال گردآوری است و نشریه‌ای نیز به نام راهیان حرم از سوی جمعیت خدمتگزار در حال انتشار است.

■ گام‌های آسمانی تا امام‌مهربانی

این‌ها تنها بخشی از صحبت‌های رضایی درباره خدماتی

در بین کاروان چشم‌هم به مرد میانسانی می‌افتد که یک پا ندارد و عصا می‌زند.

دیدن این حال او غبطه مرا بیشتر می‌کند. از حال و هوایی که دارد با هم حرف می‌زنیم. وقتی درباره وضعیتی که دارد صحبت می‌کنیم و از او می‌پرسیم سخت نیست با یک پا و عصا زنان؟ لبخند می‌زند و می‌گوید: پا ندارم، دل که دارم، زیارت پای دل می‌خواهد

آفتاب است و در اینجا یعنی توس، امامی مهربان دفن است که پاره تن رسول خدا(ص) است و زیارتش ثوابی دارد بس عظیم. اینجا مشهد است. کشور دل‌ها. آخر ماه صفر است و همیشه در این ماه، مشهد تماشایی‌تر از هر وقت دیگری است. ده‌ها هزار زائر پیاده و سواره در این ایام به نیت زیارت امام هشتم راهی این شهر می‌شوند تا همان‌خوان یابرکت امامی باشند که او را ضامن آهو می‌نامند و امام رئوف لقب داده‌اند. زائرانی که می‌آیند از راه دور یا نزدیک، کوچک باشند یا بزرگ، زن باشند یا مرد، پیاده باشند یا سواره، از مهربانی‌های این امام بسیار شنیده‌اند. آنها خوب می‌دانند که علی بن موسی غریب است اما امام غریبی که مهربانی‌اش حد و نهایتی ندارد.

او می‌افزاید: زیارت پیاده ثواب دارد، خصوصاً اینکه در این ساعت حضور در این ستاد تنها با گوشه‌ای از فعالیت‌های آنها آشنا می‌شوم که با جان و دل برای زائران پیاده انجام می‌دهند.

دلم می‌خواهد با زائران بیشتری هم‌کلام شوم. دوست دارم بروم حرم و حال و هوای آنها را از نزدیک ببینم، اما به پیشنهاد سخنگوی جمعیت خدمتگزاران به زائران پیاده به یکی از جاده‌های ورودی به مشهد می‌روم. اینجا گلپه‌ار است در ۲۵ کیلومتری مشهد، در جاده‌ای که از شهرهای چناران و قوچان و صدها روستای این دو شهر در استان خراسان رضوی و از شهرهای فاروج، شیروان، بجنورد و جاجرمد در استان خراسان شمالی و گنبد، کلاله، گالیکش، گرگان و علی‌آباد کنول در استان گلستان و حتی از بعضی از شهرهای مازندران سیل جمعیت زائران پیاده به سمت مشهد مقدس جاری است.

به هر ورودی مشهد که برویم همین است، اما اینجا در این ایستگاه میزبانی از زائران پیاده رضوی در گلپه‌ار سسلی از جمعیت مشتاقی را می‌بینم که در جاده‌های منتهی به مشهد به سمت حرم امام رضا(ع) در حرکتند.

به میان یکی از این کاروان‌ها می‌روم. از بجنورد راه افتاده‌اند، الان یک هفته است که در راهند. کاروان آنها ۲۵۰ نفر است، متشکل از زن و مرد. یک خودروی وانت با پرچم‌هایی نصب شده جلوی کاروان حرکت می‌کند. صدای نوحه‌خوانی از بلندگوهایی که پشت وانت نصب شده است به گوش می‌رسد.

چیزی به مشهد نمانده است، ۳۵ کیلومتر دیگر، و این کاروان تا عصر به مشهد می‌رسد اما از همین حالا اشک‌های‌شان جاری است، خصوصاً وقتی به صدای نوحه‌هایی که از بلندگوی نصب شده بر روی وانت پخش می‌شود گوش می‌دهند دلشان قبل از خودشان راهی حرم امام رضا(ع) شده است. باز هوای حرمت، حرمت آرزوست.

با یکی‌شان که صحبت می‌کنم حال و هوای عجیبی دارد. می‌گوید: «دوست داشتم بروم کربلا، اما امسال قسمتم نشد. دلم بدجوری شکسته بود برای همین تصمیم گرفتم با کاروان پیاده‌ای که به مشهد مشرف می‌شود همراه شوم» محمد که ۳۰ سال سن دارد می‌افزاید: من حداقل سالی دو بار به زیارت امام رضا(ع) می‌آیم اما زیارت پیاده حال و هوای خاصی دارد و تجربه‌ای است که تا انجامش ندهی نمی‌توانی لذتش را درک کنی.

او در لایه‌لای صحبت‌های خود حرفی می‌زند که به دلم می‌نشیند. می‌گوید: هر زیارت پیاده با هر قدمی که برمی‌داریم در حقیقت روی هوای نفس و رذائل اخلاقی خود قدم می‌گذاریم. زیارت با پای پیاده فقط یک معنا دارد، تلاش برای خودسازی و تهذیب نفس.

این حرف‌های آخر اسماعیل خیلی به دلم می‌نشیند. کاروان آنها را با نگاه حسرت‌بارم دنبال می‌کنم. گام‌های استوار آنها حکایت از عزم راسخ‌شان برای این زیارت معنوی دارد. کم‌کم وقت خداحافظی است، باید به مشهد برگردم. سوار ماشین می‌شوم و راه می‌افتم سمت مشهد. در کنار یکی از کاروان‌های پیاده که عبور می‌کنم همچنان صدای نوحه به گوش می‌رسد. باز هوای حرمت، حرمت آرزوست...

■ مینا محمد دوست

زیستگاه انسان در بستر کره خاکی همواره در جوار پدیده‌های قانونمند بوده. شاید انسان‌ها با الگوبرداری از طبیعت پیاد گرفتند که برای زندگی جمعی خود قانون وضع کنند. در بطن قانون است که امور از هرج و مرج در امان مانده، نظم پیدا کرده و هر چیز در جایگاه خود قرار می‌گیرد. قانون به زندگی نظم داده و با نظم ماهیت هر چیز به شکل مناسب پدیدار می‌شود. در طبیعت وقتی رویدادی خارج از موعد رخ می‌دهد، به تبع آن بی‌نظمی شکل می‌گیرد. یک سرمای ناپهنگام، یک گرمای بی‌موقع، گاه بارندگی خارج از فصل بارش، همگی یک سلسله امور را دستخوش تغییر می‌کنند که چنانچه این روند ادامه داشته باشد زیستن برای ما غیرممکن خواهد بود.

بسیاری از عرفا، جهان درون انسان را با آنچه در طبیعت است، همسو می‌دانند. با این وصف که ما نمونه‌ای کوچک از جهانی هستیم که در آن زندگی می‌کنیم و البته ما رد پای این دیدگاه عرفانی را در دل علوم مختلف مشاهده می‌کنیم. به عنوان مثال ریاضیدانان با زبان این علم به نحو شیرینی پدیده‌های اطراف ما را توجیه می‌کنند و حائز اهمیت اینکه در جسم فیزیکی، ما مجموعه‌ای هستیم منظم با قوانین ریاضی. یعنی به نوعی هر بخش از بدن ما با قواعد خاص علم ریاضی در محدوده قانون نظم، در کنار هم بوده یا منجمان با دانش بی‌نهایتی که در اختیار دارند، آنچه به ما ارائه می‌دهند چیزی نیست جز نظم شگفت‌انگیزی که در کهکشان حاکم است و به طور کلی هر علمی در نهایت این را به ما عرضه می‌کند که ما در احاطه بی‌چون و چرا و مطلق نظم حاکم بر این جهان هستیم.

حال ببینیم درون انسان به چه صورت عمل می‌کند. دنیای درون انسان هم بی‌نیاز از نظم نیست. آنچه شخصیت انسان را به شکل منسجم و یکپارچه نگه می‌دارد، چیزی نیست جز قانون نظم و این یعنی در وجود «من» هر چیز باید در جایگاه خود باشد. تقریباً همه ما کمابیش از صفات و ویژگی‌های درونی خود آگاهیم، اما شاید کمتر به جایگاه هر یک از این حالات فکر کنیم. بیاییم سالیان عمر انسان را همانند طول اجسام هندسی در نظر بگیریم. در کنار



خلوت کنیم. انسان در خلوت با خویش است که بهتر با دنیای درون ارتباط برقرار می‌کند و در این ارتباط خیلی وقت‌ها آرامش به سراغمان دهیم. در مورد امید، مانوس بودن با کتاب آسمانی‌مان قرآن، همچنین مطالعه آثار ادبی سرزمین‌مان کمک شایانی می‌تواند باشد زیرا همان طور که گفته شد این منابع به زیبایی و با نقل داستان‌هایی از بزرگان‌مان همه باعث بیاداری امید در وجودمان می‌شود. در حالت ناامیدی زیساد در مورد این حال‌مان با دیگران صحبت نکنیم، مگر در حد یافتن راه حل. با صحبت مدام در مورد یأس در واقع بذر ناامیدی را در اطراف پرورش می‌دهیم و این اصلاً چیز خوبی نیست.

همان‌طور که ذکر شد، ناامیدی سایه ترس است، پس به شکلی معقول با ترس‌های غیرمنطقی خود روبه‌رو شویم. اگر لازم بود در این زمینه از افراد متخصص کمک بگیریم. وقتی به شکل مؤثر با ترسی مواجه شویم که قبلاً از رویارویی با آن واهمه داشتیم، نیرویی از جنس امید در وجودمان شکفته می‌شود. همچنین تجربه مثبتی برای آینده‌مان خواهد بود.

به موانع سر راهمان به چشم‌بن‌بست نگاه نکنیم. برخی مشکلات را باید با روشی مناسب حل کرد. برخی موانع را باید با شیوه‌ای درست از سر راه برداشت و بعضی مسائل را باید همان گونه که هست، پذیرفت. این جریان به روند امیدواری ما کمک فراوانی خواهد کرد. در زمان حال باشیم. نداشتن ترس از آینده، در سایه امیدواری، ایمان و امید، این دو ستونی که با «الف» شروع می‌شود همیشه ما را ایستاده نگه خواهد داشت و در برابر مشکلات قد خم نخواهیم کرد.

ایمان و امید، تار و پود نظم درونی ما

قامتی که بادو «الف» همیشه ایستاده می‌ماند

حال بد است. پس این ویژگی نقش بسیار مهمی در زندگی ما ایفا می‌کند و در حقیقت تحفه‌ای است که خداوند به ما ارزانی داشته. این خصلت به ما کمک می‌کند در رویارویی با مسائل خود را نیازیم. پیش رفتن و به دنبال راه حل گشتن و برداشتن موانع پیش رواز نشانه‌های امیدواری است. قطعاً اگر خوب تأمل کنیم درمی‌یابیم داستان‌های قرآن، کتاب مقدس‌مان، و افعال‌پیرز از پیام‌امید است. داستان یوسف در دل تاریکی جاه، داستان یونس در تاریکی دل تهنک، داستان پیامبر اسلام در تاریکی غار حرا... همگی نمایانگر روشن بودن بارقه‌های امید در دل تیرگی مشکلات است و جقدر مایه آرامش خاطر است این آیه که بعد از هر سختی، آسانی است (ان مع العسر یسر).

یکی از رفتارهای انسان این است که معمولاً وقتی متوجه می‌شود ار مغانی بالارزش به وی پیشکش شده از آن به خوبی مراقبت می‌کند. حال در درون ما هدیه‌ای به ارزشمندی امید وجود دارد که برای آن هیچ قیمتی نمی‌توان گذاشت. اما به چه شکل از آن مراقبت کنیم؟ چرا که این هدیه مانند گیاهی لطیف به پرورش و مراقبت نیاز دارد. چنانچه می‌دانیم یکی از ویژگی‌های مشترک برخی ناراحتی‌های روانی نداشتن امید به آینده است و در عین حال می‌دانیم که بسیاری از خصوصیات ما قابلیت تغییر دارند. یعنی شالوده اصلی آن را داریم. حال اگر صفت مثبتی است در سایه تلاش می‌توان اقدام به رشد آن کرد. پس برای پرورش امید چه باید کرد؟ امروزه بسیاری از صاحب‌نظران راهکارهای علمی را همراه با باورهای معنوی بسیار مؤثرتر در یافته‌اند. در مورد امید چه چیز بالاتر از اینکه قبل از هر چیز توکل به پروردگار کنیم؟ ابتدای سوره مبارکه حمد (حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است...)، در حقیقت چه نیرویی می‌تواند تا این اندازه مایه امیدواری باشد که ما به چنین پروردگاری در طول زندگی توکل و اعتماد داشته باشیم؟ ناامیدی سایه ترس است و در دل ایمان این سایه به روشنائی نیستی کشیده می‌شود.

وقتی در مواقعی ناامید هستیم، کمی سکوت کنیم و در سکوت به تفکر بپردازیم. با خود



خلوت کنیم. انسان در خلوت با خویش است که بهتر با دنیای درون ارتباط برقرار می‌کند و در این ارتباط خیلی وقت‌ها آرامش به سراغمان دهیم. در مورد امید، مانوس بودن با کتاب آسمانی‌مان قرآن، همچنین مطالعه آثار ادبی سرزمین‌مان کمک شایانی می‌تواند باشد زیرا همان طور که گفته شد این منابع به زیبایی و با نقل داستان‌هایی از بزرگان‌مان همه باعث بیاداری امید در وجودمان می‌شود. در حالت ناامیدی زیساد در مورد این حال‌مان با دیگران صحبت نکنیم، مگر در حد یافتن راه حل. با صحبت مدام در مورد یأس در واقع بذر ناامیدی را در اطراف پرورش می‌دهیم و این اصلاً چیز خوبی نیست.

همان‌طور که ذکر شد، ناامیدی سایه ترس است، پس به شکلی معقول با ترس‌های غیرمنطقی خود روبه‌رو شویم. اگر لازم بود در این زمینه از افراد متخصص کمک بگیریم. وقتی به شکل مؤثر با ترسی مواجه شویم که قبلاً از رویارویی با آن واهمه داشتیم، نیرویی از جنس امید در وجودمان شکفته می‌شود. همچنین تجربه مثبتی برای آینده‌مان خواهد بود.

به موانع سر راهمان به چشم‌بن‌بست نگاه نکنیم. برخی مشکلات را باید با روشی مناسب حل کرد. برخی موانع را باید با شیوه‌ای درست از سر راه برداشت و بعضی مسائل را باید همان گونه که هست، پذیرفت. این جریان به روند امیدواری ما کمک فراوانی خواهد کرد. در زمان حال باشیم. نداشتن ترس از آینده، در سایه امیدواری، ایمان و امید، این دو ستونی که با «الف» شروع می‌شود همیشه ما را ایستاده نگه خواهد داشت و در برابر مشکلات قد خم نخواهیم کرد.